

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ویلیام انگدل* - [F. William Engdahl](mailto:F.William.Engdahl)

برگردان از: حمید محوی

۲۶ اگست ۲۰۲۰

در آستانه جنگ بین ایالات متحده و چین؟

ایجاد ساخت و ساز تمامیت خواه جهانی، «دولت جهانی یگانه»؟

آیا با نسخه جدیدی از جنگ جهانی هیتلر و ستالین در سال ۱۹۴۱ روبه رو هستیم؟

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۱۷ اگست ۲۰۲۰



اگر تیتراهای درشت رسانه های سراسر جهان را در چشم انداز قرار دهیم و اگر سعی کنیم خطوط اصلی گزارشات آنها را بررسی کنیم، درمی یابیم که دست کم از سه سال پیش موضوع اصلی جغرافیای سیاسی جهان رویارویی واقعی بین دو ابر قدرت جهان جمهوری خلق چین و ایالات متحده امریکا بوده است. بیش از پیش به نظر می رسد که برخی شبکه های جهانی سرّی [و مشکوک] جریان را راه اندازی می کنند که به تجدید و به روز رسانی جنگ جهانی ۱۹۴۵-۱۹۳۹ شباهت پر رنگی دارد. این بار، موضوع فوق العاده به نظر می رسد و هدفشان ایجاد ساخت و ساز تمامیت خواه جهانی یگانه ای ست، یعنی همان چیزی که دیوید راکفلر در گذشته آن را «دولت جهانی یگانه» نامید. قدرت های بزرگ دائماً از جنگ برای به دست آوردن تغییرات سیاسی اساسی استفاده می کنند.

به نام نیروهای حاضر در صحنه جنگ جهانی دوم (Power That Be- PTB) محافل نفوذی سیتی لندن و وال استریت روسیه و المان دو رقیب بزرگ را علیه یکدیگر تحریک کردند تا بین دو کشور جنگ خونباری را هدایت

کنند، ولی به نحوی که نیروهای حاضر در صحنه در جبهه آنگلوساکسونها بتوانند صفحه شطرنج جغرافیای سیاسی جهان را به نفع خودشان مجدداً ترسیم کنند. البته در این طرح به موفقیت بزرگی دست یافتند، با این شرط که پس از ۱۹۴۵، وال استریت و برادران راکفلر مصمم بودند که انگلستان نقش نخستین همکار و اشنگتن را به عهده بگیرد. انگلستان و ایالات متحده آمریکا با کسب جایگاه برتر جهان وارد دورانی شدند که «جنگ سرد» نامیده شده است. همکاری جهانی انگلستان و ایالات متحده رسماً در سال ۱۹۸۹ با سقوط دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال ۱۹۹۱ به پایان رسید.

با آغاز ریاست جمهوری بیل کلینتن در سال ۱۹۹۲، تقریباً در این دوران، شاهد دوره بعدی هستیم: یعنی پرده برداری از جهانی سازی مالی و صنعتی. در همین دوران نیز بود که روند فروپاشی پایگاه های صنعتی نه فقط در ایالات متحده آمریکا بلکه به همچنین در المان و اتحادیه اروپا آغاز شد. پس از سال های ۱۹۹۰، سازمان تجارت جهانی نوین برون سپاری نیروی کار ارزان را امکان پذیر کرد، و موجب تنزل کارمزد و تخریب حجیم صنایع در غرب شد. این دوران برای جهت گیری به سوی آن چیزی که جرج هربرت واکر بوش در سال ۱۹۹۰ «نظم نوین جهانی» نامید مرحله ای ضروری بود. مرحله بعدی عبارت بود از تخریب حاکمیت ملی در همه جا. روی این طرح، ایالات متحده آمریکا مانع اصلی را تشکیل می داد.

« اندکی کمک از دوستانمان...»

برای نیروهای حاضر در صحنه که به هیچ ملتی وفادار نیست و فقط به قدرت خودشان که از مرزها عبور می کند ابراز وفاداری می کنند، پیدایش سازمان تجارت جهانی و پیوستن چین به عنوان عضو تمام عیار در سال ۲۰۰۱ به مثابه مرحله کلیدی آینده مطرح بود. در این مرحله، نیروهای حاضر در صحنه بزرگترین رشد صنعتی تاریخ را در چین تسهیل کردند، شاید به استثنای المان از سال ۱۸۷۱. پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی به شرکتهای چند ملیتی غربی مانند شرکت آبل (Apple) یا نایکی (Nike)، مرغ سوخاری کنتاکی (KFC) تا فورد (Ford) و فولکس واگن (VW) اجازه داد که میلیاردها دلار را به چین سرازیر کنند تا کالاهایشان را به یمن کارمزد های بسیار نازل تولید و سپس به غرب صادر کنند.

یکی از اسرار مهم این رشد اقتصادی چین به این علت است که چین پس از سال ۲۰۰۱ مجاز شد تا به «کارگاه جهان» تبدیل شود، ابتداء در صنایعی که از کیفیت نازلی برخوردارند مانند پارچه بافی یا اسباب بازی، سپس در تولیدات دارویی و در دوران اخیرتر در مونتاز و تولید محصولات الکترونیک. وقتی می بینیم که نیروهای حاضر در صحنه و مؤسساتشان از چین برای تضعیف قدرت های بزرگ صنعتی به ویژه در ایالات متحده آمریکا برای پیش راندن برنامه هایشان استفاده می کنند پازل مشخص تر می شود. برژینسکی غالباً نوشته است که دولت-ملت باید حذف شود، دقیقاً مثل کارفرمایش دیوید راکفلر. با مجاز دانستن چین برای این که در عرصه اقتصادی و بیش از پیش در عرصه تکنولوژی به رقیب ایالات متحده آمریکا تبدیل شود، امکان تخریب فرادستی ابر قدرت ایالات متحده را فراهم آوردند.

در آغاز ریاست جمهوری شی جین پینگ در سال ۲۰۱۲، چین یک قدرت اقتصادی واقعی و دومین قدرت پر اهمیت پس از ایالات متحده بود. روشن است که این رویداد هرگز نباید به وقوع می پیوست، در هر صورت نه به سر پرستی همان خانواده های قدیمی انگلیس- امریکائی که پس از ۱۸۴۰ جنگ تریاک را به راه انداختند تا چین را سرکوب کنند

و با غارتگری غربی اقتصاد چین را به توبره بکشند، مگر این که انگلیسها و امریکائی ها چنین کاری را به اختیار انجام نداده باشند [و ناخواسته در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته باشند].

همان بانک بریتانیایی که در تجارت تریاک در چین دخالت داشت، یعنی بانک هانگ کانگ و شانگهای (HSBC) که توسط یک سکاتلندی به نام توماس ساترلند^۱ در سال ۱۸۶۵ در هانگ کانگ که در آن دوران از مستعمره های بریتانیایی به حساب می آمد بنیانگذاری شده بود، و امروز نیز بزرگترین بانک غیر چینی در هانگ کانگ است. در این سالهای اخیر بانک هانگ کانگ و شانگهای مناسبات تنگاتنگی با چین برقرار کرده است: از سال ۲۰۱۱ لورا شای^۲ عضو شورای اداری و معاون بانک هانگ کانگ است. خانم شای در گذشته معاون هیأت چینی برای تنظیم اوراق بهادار بود، نخستین شخصی است که خارج از سرزمین اصلی چین در دولت مرکزی جمهوری خلق چین در بیجینگ به کرسی معاون وزیر گماشته شد. به سخن دیگر، یکی از اعضای شورای اداری بزرگترین بانک انگلستان در عین حال عضو حزب کمونیست و کارمند دولت چین بود. چین نیاز داشت که به پول غربی و بانک هانگ کانگ و شانگهای دسترسی داشته باشد و دیگر بانکها نیز مانند جی پی مورگان چیس، بارکلیز، گلدمن ساکس خیلی خوشوقت بودند که می توانند به چین کمک کنند.

« سوسیالیسم با خصوصیات شی جین پینگ... »

در سال ۲۰۱۲ وقتی شی جین پینگ در رأس حزب کمونیست چین در بیجینگ قرار گرفت، چین در مجموع یک «بازی کن اکیپ» جهانی گرا به نظر می رسید، ولی با «خصوصیات چینی». با وجود این، در سال ۲۰۱۵ پس از کمی بیش از دو سال ریاست جمهوری، شی جین پینگ ستراتیژی صنایع ملی جهانی را تأیید کرد: ساخت چین: ۲۰۲۵.

«چین ۲۰۲۵» جایگزین طرح غربی جهانی گرای پیشین شد که با بانک جهانی و ایالات متحده امریکا نوشته شده بود، طرح «چین ۲۰۳۰» به مدیریت رابرت زولیک^۳. این گذار به ستراتیژی چینی در زمینه تکنولوژی جهانی بروشنی می تواند به تصمیم نیروهای حاضر در صحنه بینجامد که مبنی بر آن از این پس نمی توانند برای ادامه قواعد جهانی گرایان روی چین حساب کنند. با وجود این حزب کمونیست چین به سر پرستی شی جین پینگ مصمم است که چین را در زمینه صنعت پیشرفته، هوش مصنوعی و زیست فن آوری به جایگاه پیشگام جهانی تبدیل کند. ولی ظهور فرادستی جهانی و ملی گرای چینی به نظریات «گانگسترهای نظم نوین جهانی» تعلق نداشت.

«چین ۲۰۲۵» در ترکیب با ابتکار شی جین پینگ برای ایجاد راه ابریشم نوین که چین را با زیر ساختهای جهانی از راه زمین و بحر به کل اورآسیا و فراتر از آن متصل می کند احتمالاً به جهانی گرایان نشان داد که یگانه راه حل برای اجتناب از فروپاشی قدرتشان در مقابل فرادستی چین سرانجام رویکرد جنگ افروزانه خواهد بود. جنگی که دو قدرت ملی گرای ایالات متحده و چین را تخریب خواهد کرد. این نتیجه گیری نهائی من است و دلایل متعددی وجود دارد که نشان می دهد که چنین امری هم اکنون در شرف تکوین است.

¹ Thomas Sutherland

² Laura Cha Shih May-lung

³ Robert Zoellick

قطعه نان در برابر قطعه نان

اگر این نتیجه گیری حقیقت داشته باشد، این جنگ به احتمال خیلی قوی، خیلی با برخورد نظامی از نوع جنگ جهانی دوم متفاوت خواهد بود. ایالات متحده و اغلب اقتصادهای صنعتی غرب با فرصت طلبی فاجعه بارترین افسردگی اقتصادی از سالهای ۳۰ را تحریک کردند، با واکنشی شگفت آور و با ادعای ویروسی که از ووهان [در چین] منشأ گرفته و در سراسر جهان انتشار یافته است. با وجود این که آمار مرگ و میرها، حتا وقتی که به شکل گسترده بزرگنمایی شده باشد و در حد یک گریپ شدید فصلی باشد، پافشاری سیاستمداران و سازمانی بهداشت جهانی بزهکار برای تحمیل قرنطینه سرسختانه و اختلال اقتصادی برای فلج کردن زیر ساخت های مهم صنعتی در ایالات متحده و در اغلب کشورهای اتحادیه اروپا.

بر پاشدن شورش سازماندهی شده و بزهکاری مخرب زیر پرچم اعتراض علیه نژادپرستی در سراسر ایالات متحده امریکا شهرهای امریکا را در اغلب موارد به مناطق جنگی تبدیل کرد که بی شباهت به شهرهای فیلم الیسیم^۴ نیست (با بازیگری مت دیمن و جودی فاستر در سال ۲۰۱۳). در چنین وضعیتی، شیوه بیان ضد واشنگتنی بیجینگ در کاربرد به اصطلاح «دیپلماسی گرگ» شدت خاصی به خود گرفت.



Source : <https://medium.com/@koujsamzp/regarder-elysium-2013-film-complet-streaming-vf-502845ce2884>

پس از بستن کنسولگری چین در هوستون به دستور واشنگتن و بستن کنسولگری ایالات متحده امریکا در شنگو، هر دو طرف لحن گفتار خود را تشدید کردند. شرکتهای فن آوری پیشرفته در ایالات متحده ممنوع هستند، نمایش نیروی نظامی ایالات متحده در بحیره چین جنوبی و در آبهای نزدیک به تایوان موجب افزایش تنش لحن گفتار بین هر دو کشور شد. کاخ سفید سازمان بهداشت جهانی را متهم کرد که عامل بیجینگ بوده است، در حالی که چین ایالات متحده را در ایجاد عمدی ویروس مرگبار و انتقال آن به ووهان متهم می داند. رسانه های دولت چین از انفجار اعتراضات

⁴ Elysium

خوشنترار زیر پرچم « زندگی سیاهان اهمیت دارد »^۵ در سراسر ایالات متحده پشتیبانی می کنند. رویدادها به شکل برجسته ای شدت می یابد. چندین به اصطلاح مارکسیست امریکائی که تظاهرات در شهرهای ایالات متحده را هدایت می کنند با بیجینگ رابطه دارند، مانند حزب کمونیست انقلابی باب آواکیان^۶ با پیش زمینه مائوئیستی.

« جنگ بدون محدودیت »

در این شرایط احتمال بالا گرفتن تنش ها از چه نوعی خواهد بود ؟ در سال ۱۹۹۹، دو سرهنگ از ارتش آزادیبخش خلق چین، کیائولیانگ^۷ و وانگ شیانگسو^۸ کتابی زیر عنوان « جنگ بدون محدودیت »^۹ را در انتشارات ارتش آزادیبخش خلق چین منتشر کردند. کیائو لیانگ به رتبه جنرال در نیروی هوایی ارتش آزادیبخش خلق چین ارتقاء یافت و در عین حال به عنوان معاون دبیر کل شورا برای پژوهش های سیاسی امنیت ملی برگزیده شد. هر دو در سال ۲۰۱۶ مأموریت خود را باز بینی کردند. این موضوع روشنگر ستراتیژی نظامی چین است.

با بررسی راه و روش نظامی ایالات متحده آمریکا که فردای عملیات « طوفان صحرا » علیه عراق در سال ۱۹۹۱ منتشر شد، نویسندگان چینی آن چیزی را افشاء می کنند که وابستگی شدید ایالات متحده به نیروی نظامی خشن و راه و روش نظامی متعارف ارزیابی کرده اند. آنان می گویند : « مشاهده کردن، آزمودن، و حل مسائل از دیدگاه فن آوری یک تفکر خاص امریکائی ست. همه مزیت ها و کاستی هایش خیلی آشکار است، همان گونه که خصوصیات خود امریکائی ها ». نویسندگان اضافه می کنند که « تهدیدات نظامی غالباً از جمله عوامل اصلی نیست که امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می دهد... عوامل سنتی بیش از پیش مربوط است به تصاحب منابع، مبارزه برای بازار، کنترل سرمایه ها، مجازات های اقتصادی و عوامل اقتصادی دیگر، تا جایی که نسبت به این عوامل نقش ثانوی پیدا می کند. در نتیجه، الگوی تازه ای شکل می گیرد که امنیت سیاسی، اقتصادی و نظامی یک یا چند ملت را تهدید می کند... دو نویسنده شکل نوین جنگ را به مثابه « ... علاوه بر فضای زمینی، بحری، هوایی، فضائی و الکترونیک در بر گیرنده فضای سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک، فرهنگی و روانشناختی » تعریف می کنند.

همه این امور شکل جنگی را ترسیم می کند که می تواند بین چین و ایالات متحده به وقوع بپیوندد. این جنگ را می توانیم جنگ نامتعارف^{۱۰} یا جنگ بدون محدودیت بنامیم، به این معنا که هیچ چیزی که بتواند دشمن را مختل کند ممنوع نیست^{۱۱}. به گفته کیائو لیانگ : « نخستین قاعده جنگ بدون محدودیت مشخصاً این است که هیچ قاعده ای وجود ندارد، هیچ کاری ممنوع نیست. » به سخن دیگر در این حالت منشور ژنیو وجود ندارد.

دو نویسنده بیجینگ اضافه می کنند که این جنگ سرّی می تواند شامل حمله های متعدد علیه امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی و امنیت اطلاعاتی ملت باشد. وابستگی اقتصادی ایالات متحده به زنجیره تدارکاتی چینی برای همه چیز، از آنتی بیوتیکهای پایه تا مواد معدنی کم یاب و حیاتی برای ارتش از جمله موارد شکننده بین موارد دیگر است.

⁵ Black Lives Matter

⁶ Bob Avakian

⁷ Qiao Liang

⁸ Wang Xiangsui

⁹ « Unrestricted Warfare »

¹⁰ asymétrique

¹¹ مترجم : به نظر می رسد که نویسندگان چینی با تعریف مفاهیمی مانند جنگ نامتعارف یا جنگ بدون محدودیت (یا جنگ باز و بدون ممنوعیت) خیلی به مفهوم جنگ ترکیبی (یا جنگ هیبریدی و انقلاب رنگی) نزدیک می شوند که از راه و روش های ناب امریکائی ست ولی روشن نیست چرا مشخصاً از جنگ ترکیبی نام نمی برند.

چین نیز به سهم خود نسبت به مجازاته‌های اقتصادی، اختلال مالی، حملات بیوتروریستی و محاصره سوخت نفتی و مانند اینها آسیب پذیر است. برخی می‌گویند که تهاجم اخیر ملخ‌های بحری و خساراتی که طاعون خوک افریقایی به ذخائر مواد غذایی پایه در چین وارد آورده یک رویداد طبیعی ساده نبوده و ما احتمالاً وارد جنگ اعلام نشده و بدون محدودیتی بین ایالات متحده آمریکا و چین شده ایم. و آیا این احتمال نیز وجود دارد که سیل فراگیر در طول رودخانه یانگ تسه که سد عظیم سه دره^{۱۲} را تهدید می‌کرد و به ووهان و شهرهای بزرگ دیگر در چین سرازیر شد و میلیونها ایگر زمین کشاورزی کلیدی را تخریب کرد یک رویداد کاملاً فصلی نبوده باشد؟

جنگ تمام عیار و نامحدود بین چین و ایالات متحده فراتر از یک تراژیدی خواهد بود. چنین جنگی می‌تواند به پایان تمدنی بینجامد که تا امروز شناخته ایم.

آیا شخصیت‌هایی مانند بیل گیتس و بالا دستی‌های او هستند که در پی تحریکند؟ آیا می‌خواهند ویران شهر آرمانی خودشان را با باز نشانی همه چیز را از نقطه صفر روی ویرانه چنین جنگی بر پا کنند؟



[Towards a US-China War? The Creation of a Global Totalitarian System, A “One World Government”?](#)

F. William Engdahl

* - ویلیام انگدل مشاور و سخنران در عرصه خطرات ستراتیژیک است، دبیرمه در علوم سیاسی از دانشگاه پنستون نویسنده مشهور نفت و جغرافیای سیاسی و به شکل انحصاری برای مجله آن لاین «*New Eastern Outlook*» می‌نویسد، یعنی منبعی که مقاله حاضر در آنجا منتشر شده است. اواز شرکای مرکز پژوهش‌های جهانی سازی است. لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/vers-une-guerre-entre-les-etats-unis-et-la-chine-la-creation-dun-systeme-totalitaire-mondial-un-gouvernement-mondial-unique/5648380>

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۲۵ اگست ۲۰۲۰

¹² سد سه دره بزرگترین سد جهان روی رودخانه یانگ تسه بنا شده است